

تحلیلی انتقادی بر نظریه ابن سینا با عنوان «اتحاد مفهومی صفات الهی» مبتنی بر اصل «محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی»

سید معین الدین خلیفه سلطانی

دانشجوی دکترای فلسفه و کلام اسلامی گرایش حکمت متعالیه، گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(نویسنده مسئول) دکتر علیرضا کهنسال

دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی

استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

ابن سینا رئیس فلاسفه اسلامی در آثار خویش به طرح نظریه «اتحاد مفهومی صفات الهی» پرداخته، به این معنا که اگر مفاهیم هریک از صفات الهی با قطع نظر از حقیقت ذات مقدس الهی ملحوظ گردند، مفاهیمی متمایز از یکدیگرند، اما موقعی که وصف حق تعالی واقع می‌شوند، مفاهیم خاص و مقیدشان، محو، و همه به یک معنا در حکایتگری از حقیقت ذات مقدس الهی مبدل می‌شوند. ابن سینا همچنین نظریه مذکور را با توجه به چالش انتزاع مفاهیم متعدد صفات از حقیقت بسیط مطلق ذات مقدس الهی مواجه دانسته است. در این نوشتار نظریه «اتحاد مفهومی صفات الهی» تحلیل شده، و بر مبنای اصل «محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی»، به تبیین «تمایز مفهومی صفات الهی»، «صحت انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت واحد و بسیط مطلق حق تعالی»، و «تفاوت ارجاع مفهومی صفات الهی با اتحاد مفهومی صفات الهی» پرداخته شده، و این نتیجه حاصل شده که نظریه ابن سینا با عنوان «اتحاد مفهومی صفات الهی» و تفسیر آن به «بسیط در نظر گرفتن نفس مفاهیم صفات الهی با حذف حیثیات ذهنی از مفاهیم صفات الهی»، «توصیفی-کاربردی بودن الفاظ مفاهیم صفات الهی»، «اصلاح مفاهیم صفات الهی بر مبنای انعطاف‌پذیری زبان»، و «یکسانی تقرر مفهومی صفات الهی با توجه به حیثیات سلبی و اضافی، و ارجاع مفاهیم صفات الهی به مفهوم موجود» با اشکالاتی از جمله «خلط مفهوم و مصداق»، «محو کامل یا بخشی از معنای تخصصی مفاهیم صفات الهی»، و «یکسان در نظر گرفتن ارجاع مفهومی با اتحاد مفهومی صفات الهی» مواجه است، مگر اینکه منظور ابن سینا از اتحاد مفهومی صفات الهی چیز دیگری غیر از تفاسیر مذکور باشد.

کلیدواژه‌ها: اتحاد مفهومی صفات الهی، تمایز مفهومی صفات الهی، محدودیت مفاهیم صفات الهی، بساطت حقیقت صفات الهی، ابن سینا

مقدمه

اکثر حکما و متکلمین شیعه امامیه درباره رابطه ذات و صفات الهی، قائل به نظریه وحدت مصداقی و تمایز مفهومی ذات و صفات الهی بوده‌اند، اما از بین قائلین به نظریه وحدت مصداقی ذات و صفات الهی، رئیس فلاسفه اسلامی، ابوعلی حسین بن عبدالله بن-سینا مشهور به ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ) بر اساس مستنداتی که در متن این نوشتار به آن اشاره شده، علاوه بر وحدت مصداقی ذات و صفات الهی به اتحاد مفهومی صفات الهی نیز تصریح نموده است.

از پژوهش‌هایی که تاکنون در اثبات نظریه ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی منتشر شده، می‌توان به این مقالات اشاره نمود: مقاله «اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب تعالی از دیدگاه ابن سینا» اثر ذبیحی، مقاله «صفات الهی از نگاه ابن سینا و توماس آکوئیناس» اثر ذبیحی و ایرجی‌نیا، مقاله «طرح آشتی ترادف سینوی و عینیت صدرایی در باب صفات الهی» اثر صادقی، مقاله «عینیت مفهومی اوصاف الهی در فلسفه ابن سینا»، و مقاله «مفهوم شناسی اوصاف الهی در فلسفه ابن سینا» اثر شهیدی، مقاله «بررسی وجودشناختی صفات الهی از دیدگاه ابن سینا همراه با نقد ملاصدرا» اثر ذبیحی و ایرجی‌نیا، مقاله «ملاحظات معناشناختی در تحلیل مسئله اتحاد و تغایر مفهومی صفات خداوند از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا» اثر زمانی، مقاله «برهان صدیقین و تأثیر آن در نظریه ترادف صفات الهی از دیدگاه ابن سینا» اثر ایرجی‌نیا، مقاله «تبیین اندیشه ابن سینا در باب صفات الهی» اثر قاسم‌پور، ذهبی، و سعیدی‌مهر، مقاله «اتحاد مفهومی صفات الهی در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن-سینا» اثر قاسم‌پور و ذهبی. همچنین از پژوهش‌هایی که تاکنون در نقد نظریه ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی منتشر شده، می‌توان به این مقالات اشاره نمود: مقاله «رویکرد کلامی- فلسفی به مسأله عینیت صفات و بررسی دیدگاه ملاصدرا و ابن سینا در خصوص آن» اثر توازیانی، و مقاله «نقد و بررسی نظریه اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات الهی» اثر احمدوند. آنچه که این نوشتار را از مقالات مذکور متمایز می‌سازد، این است که در این نوشتار به نقد مقالاتی که نظریه ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی را اثبات نموده‌اند، پرداخته شده است، همچنین وجه تمایز این نوشتار با مقالاتی که به نقد نظریه ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته‌اند، این است که در این نوشتار سعی شده بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی به تبیین نظریه تمایز مفهومی صفات الهی، و بیان اشکالات نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته شود، و در نتیجه نقدی عمیق‌تر از نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی و تفاسیر آن ارائه گردد. بر این اساس در این نوشتار به جهت واضح شدن اشکالات نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی، به تبیین تمایز مفهومی صفات الهی، صحت انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت ذات واحد و بسیط مطلق الهی، و نیز تفاوت ارجاع مفاهیم صفات الهی به یکدیگر با اتحاد مفهومی صفات الهی بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی پرداخته شده، و در ضمن هر قسمت، اشکالات نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی مطرح شده، و در پایان به بیان وجه تمایز نقدی که در این نوشتار از نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی ارائه شده با سایر نقدهایی که تاکنون توسط قدما و معاصرین مطرح شده، پرداخته شده است.

۱. تحلیل عبارات و ادله ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی

ابن سینا در کتاب «الشفاء - الالهیات»، تحت عنوان «فصل فی نسبة المعقولات إلیه، و فی ایضاح أن صفاته الإيجابية و السلبية لا توجب فی ذاته كثرة....»، و در کتاب «النجاة» تحت عنوان «فصل فی تحقیق وحدانیه الأول بأن علمه لا یخالف قدرته و ارادته و

حیاتة فی المفهوم بل ذلك كله واحد ولا تتجزأ لأحد هذه الصفات الواحد الحق»، بعد از بیان تفاوت مفاهیم «علم، اراده، حیات، و قدرت الهی» با مفاهیم صفات علم، اراده، حیات، و قدرت در انسان، درباره وحدت مصداقی و اتحاد مفهومی علم و اراده الهی چنین نگاشته: «فواجب الوجود لیست إرادته مغایرة الذات لعلمه، ولا مغایرة المفهوم لعلمه، فقد بینّا أنّ العلم الذي له بعینه هو الإرادة التي له فإذا لیس إرادته مغایرة الذات لعلمه، و لا مغایرة المفهوم لعلمه».^۱ (اراده واجب الوجود بالذات با علم او، تغایر وجودی و نیز تغایر مفهومی ندارد، و بیان نمودیم که علم او که عین ذات اوست، همان اراده اوست؛ از این رو اراده او با علم او، مغایرت وجودی و نیز مغایرت مفهومی ندارد). ابن سینا در ادامه این مطلب چنین نگاشته: اولین صفت واجب الوجود بالذات، انیت (وجود خاص او) می باشد، و سایر صفات او، همین وجود خاص او، همراه با سلب و اضافه می باشند، از این جهت، کثرت در ذات مقدس الهی راه نمی یابد، سپس به بیان مفاهیم صفات الهی از جمله مفاهیم صفات «الواحد، خیر محض، حق محض، جود، و حکمت الهی» از طریق مفاهیم سلبی و اضافی، و یا سلبی و اضافی با هم پرداخته است.^۲ ابن سینا همچنین در کتاب «التعلیقات» به بیان معانی برخی از مفاهیم صفات الهی از جمله «علم، اراده، قدرت، جود، و حکمت الهی»، فرق بین مفاهیم صفات حق تعالی و صفات سایر موجودات، و تعریف مفاهیم صفات الهی از طریق مفاهیم سلبی و اضافی و یا سلبی و اضافی با هم پرداخته است.^۳

ابن سینا در کتاب «المبدأ والمعاد» به بیان معانی برخی از مفاهیم صفات الهی از جمله «خیر محض، حق محض، و الواحد» پرداخته است،^۴ سپس تحت عنوان «فی تحقیق وحدانية واجب الوجود بأن علمه لا یخالف قدرته و ارادته و حکمته و حیاتة فی المفهوم، بل ذلك كله واحد فلا تتجزأ لها ذات الواحد المحض...»، مشابه قول خویش در کتاب «الشفاء - الالهیات» به بیان نظریه اتحاد مفهومی علم و اراده الهی پرداخته و چنین نگاشته: «فاذا لیس إرادته مغایرة الذات لعلمه و لا مغایرة المفهوم لعلمه، و قد بینّا أنّ العلم الذي له هو بعینه الارادة التي له»،^۵ و در ادامه به بیان اتحاد مفهومی سایر صفات الهی پرداخته و چنین نگاشته: «و أنّ القدرة لیست صفة لذاته و لا جزءاً من ذاته، بل المعنى الذي هو العلم له هو بعینه القدرة له. فبان أنّ المفهوم من الحیاة و العلم و القدرة و الجود و الارادة المقولات علی واجب الوجود مفهوم واحد، و لیست لا صفات ذاته و لا اجزاء ذاته».^۶ [مفهوم] قدرت، نه صفت ذات اوست، و نه جزئی از ذات او، بلکه معنای علم او عین معنای قدرت اوست، پس روشن شد که مفهوم «حیات، علم، قدرت، جود، و اراده که به واجب الوجود اطلاق می گردد، یک مفهوم است، و [مفاهیم صفات مذکور]، صفات ذات او، و اجزاء ذات او نیستند).

ابن سینا در کتاب «المبدأ والمعاد» اتحاد مفهومی صفات الهی را بر این مبنا که چون حقیقت ذات و صفات الهی، وحدت مصداقی دارند، نوعی اتحاد مفهومی نیز دارند، زیرا مصداق بر مفهوم تأثیر گذاشته، و حکم مفهوم، همان حکم مصداق می شود، مستدل نموده، و چنین نگاشته: «و أمّا الحیاة علی الاطلاق و العلم علی الاطلاق و الارادة علی الاطلاق فلیست واحدة المفهوم، و لكن

^۱ ابن سینا، الشفاء - الالهیات: ۳۶۲-۳۶۷، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات: ۶۰۱.

^۲ ابن سینا، الشفاء - الالهیات: ۳۶۷-۳۷۰، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات: ۶۰۰-۶۰۴.

^۳ ابن سینا، التعلیقات: ۱۳-۲۲، ۱۱۷-۱۱۸.

^۴ ابن سینا، المبدأ والمعاد: ۶-۱۹.

^۵ ابن سینا، المبدأ والمعاد: ۱۹، ۲۱.

^۶ ابن سینا، المبدأ والمعاد: ۲۱.

المطلقات متوهمة و الموجودات غير مطلقة، بل لكل ما يجوز أن يكون له. و إنما كلامنا في أمره و العلم و القدرة التي يجوز أن يوصف بها الواجب الوجود^٧. ([مفاهيم] حیات مطلق، علم مطلق، و ارادة مطلق [قطع نظر از ذات مقدس الهی] معنای واحدی ندارند، اما مطلقات [مفاهيم مطلق، قطع نظر از ذات مقدس الهی]، اموری موهوم و موجوداتی غير مطلقند، بلکه بر هر موجودی که جایز است اطلاق شوند [به معنا و خصوصیتی مناسب با آن موجود] بر آن موجود اطلاق می‌شوند، اما کلام ما درباره ذات-مقدس الهی، و علم و قدرتی است که جایز است واجب الوجود به آن وصف شود).

ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی در رساله «الاقسام الاصلية للعلم الالهي» چنین نگاشته: «هو ذات هو الوجود المحض و الحق المحض و الخير المحض و العلم المحض و القدرة المحضة و الحياة المحضة من غير أن يدل بكل واحد من هذه الالفاظ على معنى مفرد على حدة بل المفهوم منها عند الحكماء معنى و ذات واحد»^٨. (حق تعالی حقیقتی است که «وجود محض، حق محض، خیر محض، علم محض، قدرت محض، و حیات محض» است، بدون اینکه هریک از این الفاظ بر معنای جداگانه‌ای دلالت کند، بلکه آنچه حکما از این الفاظ می‌فهمند، معنا و ذات [حقیقت] واحدی است).

ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی در رساله «الاقسام الاصلية للعلم الالهي»، مبتنی بر «احدی الذات بودن» حقیقت وجود حق تعالی، و تنافی بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی با انتزاع مفاهیم متعدد از ذات مقدس او چنین نگاشته: «و ان الموهوم من لفظ كل صفة ما هو و أن الألفاظ المستعملة في صفاته مثل الواحد و الموجود و القديم و العالم و القادر يدل كل واحد منها على معنى آخر و لا يجوز ان يكون الشيء الواحد الذي لا كثرة فيه بوجه له معان كثيرة كل واحد منها غير الآخر و تعرف كيف يجب ان تفهم هذه الصفات له حتى لا توجب في ذاته غيرة و كثرة و لا يقدح في وحدانيته الذاتية الحقيقية»^٩. (توهم می‌شود که الفاظ هریک از صفات، معنای خاصی دارد، و الفاظی که درباره صفات حق تعالی به کار می‌رود، مانند «واحد، موجود، قدیم، عالم، و قادر»، هریک بر معنایی غیر از دیگری دلالت می‌کنند، اما جایز نیست که شیء واحدی که به هیچ وجه کثرتی در او نیست، معانی کثیر داشته باشد که هریک غیر از دیگری باشد، و خواهی دانست که این صفات را چگونه باید فهم کرد تا موجب غیریت و کثرت در ذات مقدس الهی نشود، و به وحدت ذاتی حقیقی او خدشه‌ای وارد نشود).

از عبارات مذکور از ابن سینا چنین مستفاد می‌شود که از نظر ابن سینا، مفاهیم هریک از صفات، اگر به طور مطلق یعنی با قطع نظر از حقیقت ذات مقدس الهی ملحوظ گردند، مفاهیمی متمایز از یکدیگرند، اما اگر این مفاهیم بر حقیقت ذات مقدس الهی حمل گردند، اطلاقشان که موجب تغایر هریک از مفاهیم با یکدیگر است، محو و مفهومشان عین یکدیگر می‌گردد. به تعبیر دیگر اگر مفاهیم صفات الهی از آن جهت که حاکی از حقیقت ذات مقدس الهی هستند، در نظر گرفته شوند، مفاهیم خاص و مقیدشان، محو، و همه به یک معنا در حکایتگری از حقیقت ذات مقدس الهی مبدل می‌شوند، همچنین ابن سینا نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی را به دلیل اینکه قول به بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی را با انتزاع مفاهیم متعدد صفات از حقیقت ذات مقدس الهی به نوعی متعارض دانسته، موجه دانسته است، به این طریق که با توجه به نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی، مفاهیم صفات الهی مبدل به یک معنا می‌شوند، و در نتیجه محذور تعارض انتزاع مفاهیم متعدد از مصداق واحد و بسیط لازم نمی‌آید.

⁷ ابن سینا، المبدأ والمعاد: ۲۱.

⁸ ابن سینا، تسع رسائل في الحکمة والطبیعیات: ۱۳۵.

⁹ ابن سینا، تسع رسائل في الحکمة والطبیعیات: ۱۱۲-۱۱۳.

۲. تبیین نظریه تمایز مفهومی صفات الهی بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی

۲.۱. محدودیت وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی

بر مبنای ذومراتب بودن حقیقت وجود، حقیقت ذات و صفات الهی بسیط مطلق، و وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی محدود است، چنان‌که در روایات متعددی از ائمه اطهار (صلوات الله تعالی علیهم اجمعین) به بساطت مطلق حقیقت ذات و صفات الهی، و این مطلب که حق تعالی به وسیله عقل، وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی را در ذهن حادث می‌نماید، و اینکه وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی در عین دلالت بر حقیقت ذات و صفات الهی، مخلوق عقل، و در نتیجه محدود است، اشاره گردیده است. ر.ک.^{۱۰}

۲.۲. عینیت حیثیت معنایی یا حکایی مفاهیم ذهنی صفات الهی با وجود ذهنی آن‌ها

حیثیت معنایی یا حکایی وجود ذهنی مفاهیم، عین وجود خاص آن‌هاست، زیرا حیثیت حکایتگری از خارج در باطن هر مفهومی نهفته است. به تعبیر دقیق‌تر شأن وجود ذهنی مفاهیم، چیزی جز حکایت از خارج نیست، چنان‌که ملاصدرا به بیان آن پرداخته است.^{۱۱} بر این اساس حیثیت معنایی یا حکایی مفاهیم ذهنی صفات الهی، عین وجود خاص ذهنی آن‌هاست. عینیت وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی با حیثیت حکایتگری آن‌ها از حقیقت ذات و صفات الهی بر مبنای عینیت صفات مجردات از ماده با ذوات آن‌ها، و تجرد وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی به عنوان معلومات بالذات نفس انسان که از آن در حکمت مشاء و حکمت متعالیه به «اتحاد علم و معلوم بالذات» تعبیر می‌شود، اثبات می‌گردد.^{۱۲} همچنین عینیت وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی با حیثیت حکایتگری آن‌ها از حقیقت ذات و صفات الهی بر مبنای عینیت صفات موجودات با مرتبه وجود خاص آن‌ها بر اساس اصالت حقیقت وجود در حکمت متعالیه اثبات می‌گردد.^{۱۳} بنابراین مفاهیم صفات الهی همچنان که به لحاظ مرتبه وجودی محدودند، به لحاظ معنایی و حکایی نیز محدودند.

۲.۳. دلالت مفاهیم محدود صفات الهی بر حقیقت بسیط مطلق ذات و صفات الهی به طرز محدود

مفاهیم صفات الهی که عین وجود ذهنی خاص آن‌هاست، در عین محدودیت به دلیل خصوصیات مشترکی که با حقیقت صفات الهی دارند، بر حقیقت صفات الهی که نامحدود است دلالت می‌نمایند، اما به دلیل مغایرت مفاهیم صفات الهی از حقیقت صفات الهی، و محیط نبودن مفاهیم صفات الهی بر حقیقت صفات الهی، و با توجه به اینکه حصول علم کامل بر معلوم، منوط به احاطه به معلوم است، از خصوصیات حقیقت صفات الهی تا حدودی، و نه به طور کامل حکایت می‌نمایند. نتیجه اینکه انسان از طریق مفاهیم صفات الهی، معرفتی محدود، و نه کامل به حقیقت ذات و صفات الهی که نامحدود است، حاصل می‌نماید. از این مطلب در روایات متعددی از ائمه اطهار (صلوات الله تعالی علیهم اجمعین) به تغایر مفاهیم صفات الهی با حقیقت ذات و صفات الهی، و در نتیجه به محال بودن اکتناه حقیقت ذات و صفات الهی تعبیر گردیده است. ر.ک.^{۱۴}

^{۱۰} مسعودی، إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام: ۱۲۸؛ مجلسی، بحار الأنوار: ۲۵: ۲۸؛ ۶۶: ۲۹۲-۲۹۳؛ کلینی، الکافی: ۱: ۱۱۶-۱۱۷؛ ابن بابویه، التوحید: ۱۹۳.

^{۱۱} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۱: ۲۷۱-۲۷۲.

^{۱۲} ابن سینا، المبدأ والمعاد: ۱۱، التعليقات: ۱۸۹، الإشارات والتنبيهات: ۹۰-۹۲؛ صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۳: ۳۴۶-۳۵۹، رسالة أصول الثلاثة: ۳۴-۳۶، رسالة اتحاد العاقل والمعقول: ۸۰-۹۲.

^{۱۳} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۶: ۱۵۰، ۱۶۳، ۶: ۳۳۵-۳۳۶، ۳: ۳۸۲، ۳: ۲۷۸.

^{۱۴} کلینی، الکافی: ۱: ۱۱۳-۱۱۴، ۱۳۴-۱۳۶؛ ابن بابویه، التوحید: ۴۱-۴۴، ۱۴۲-۱۴۳، ۱۹۲؛ نهج البلاغة: خطبة ۱.

۲. ۴. ملازمت محدودیت مفاهیم صفات الهی با تمایز مفاهیم صفات الهی

متکلمین و فلاسفه اسلامی درباره اینکه تمایز به چه اموری حاصل می‌شود، بحث‌های مختلفی مطرح نموده‌اند. بحث حاضر درباره تمایز اشیاء بر اساس ملاک محدودیت است. درباره تمایز اشیاء بر اساس ملاک محدودیت، سه قسم متصور است. ۱. هر دو موجود، نامحدود باشد. واضح است، فرض بیش از یک وجود نامحدود باطل است، زیرا وجود نامحدود، حدّ و جزئی که مرکب از آن باشد، ندارد، از این‌رو دو وجود نامحدود مفروض، جزء مابه‌الاشتراک، و جزء مابه‌الامتیازی که به واسطه آن از هم متمایز شوند، ندارند. بنابراین فرض وجود نامحدود دیگری غیر از وجود حق تعالی که نامحدود است، محال است، از این مطلب در فلسفه اسلامی، تعبیر به «وحدت حقّ حقیقیّه ذات مقدس الهی» می‌شود، به این معنا که فرض وجود خدای دیگر در کنار وجود حق تعالی که نامحدود است، محال است. روایات متعددی از ائمه اطهار (صلوات‌الله‌تعالی‌علیهم اجمعین) بر تبیین «وحدت حقّ حقیقیّه ذات مقدس الهی» دلالت دارد.^{۱۵} ۲. یک موجود، نامحدود، و دیگری محدود باشد. واضح است که وجود نامحدود به اطلاق خود، متمایز از موجودات محدود است. بنابراین وجود حق تعالی که نامحدود است، متمایز از وجود موجودات غیر خود که محدود است، می‌باشد. روایات متعددی از ائمه اطهار (صلوات‌الله‌تعالی‌علیهم اجمعین) بر نامحدود بودن وجود حق تعالی و محدودیت ماسوی‌الله دلالت دارد.^{۱۶} ۳. هر دو موجودی که با هم مقایسه می‌شوند، محدود باشند. واضح است که دو موجود محدود، مرکب از وجه مابه‌الاشتراک، و وجه مابه‌الامتیاز هستند، و به واسطه جزء مابه‌الامتیاز از هم متمایز می‌شوند. وجود دو موجود محدود، بر مبنای تشکیک عامی حقیقت وجود که ابن‌سینا مطرح نموده، به واسطه تعین ماهویشان از هم متمایز می‌گردند، و بر مبنای تشکیک خاصی حقیقت وجود که ملاصدرا مطرح نموده به مرتبه وجودی خاصشان که مرتبه‌ای از مراتب حقیقت واحد وجود است، از هم متمایز می‌شوند. در این دیدگاه مابه‌الامتیاز دو موجود محدود، به مابه‌الاشتراک آن‌ها که همان حقیقت واحد وجود است، مرجوع می‌شود. «تشکیک عامی» آن است که منشأ اشتراک و منشأ اختلاف در مصادیق، دو امر مختلف باشد. «تشکیک خاصی» آن است که منشأ اشتراک و منشأ اختلاف یکی باشد. ر.ک. ۱۷ بر این اساس وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی محدود، و در نتیجه متمایز از یکدیگرند، از سوی دیگر بر اساس آنچه قبلاً توضیح داده شد: وجود ذهنی مفاهیم صفات الهی، عین حیثیت حکایتگری آن‌ها از حقیقت ذات و صفات الهی است. بنابراین مفاهیم صفات الهی محدودند، و چون محدودند، نسبت به یکدیگر وجه مابه‌الاشتراک و مابه‌الامتیاز دارند. در مفهوم بودن مشترک، و در معنای تخصصی داشتن متمایزند، در نتیجه تعددند، اما دو مفهوم نامحدود مفروض، هیچ وجه اشتراک و امتیازی نسبت به یکدیگر ندارند، لذا فرض تعدد مفاهیم نامحدود، فرضی باطل است. بنابراین مفاهیم صفات الهی هر چند به طریق اثبات بلا تشبیه، و در ادقّ معانی ملحوظ گردند، باز هم از حیث محدودیت ظهورشان در وعاء ذهن، و تخصصشان به مفهوم ذهنی خاص، محدود، و در نتیجه در عین حال که حاکی از حقیقت بسیط ذات و صفات الهی هستند، متمایز از مفهوم ذات مقدس الهی، و متمایز از مفاهیم یکدیگر به طریق متعدد در صفحه ذهن متجلی و ظاهر می‌گردند، چنان‌که آیات قرآن کریم و روایات رسول‌الله اکرم و ائمه اطهار (صلوات‌الله‌تعالی‌علیهم اجمعین) مشحون از بیان مفاهیم متعددی از صفات الهی در ادقّ معانی برای حق تعالی است.

^{۱۵} ابن بابویه، التوحید: ۸۳-۸۴.

^{۱۶} کلینی، الکافی: ۱: ۸۲-۸۵، ۱۱۳-۱۱۴، ۱۳۴-۱۳۶؛ ابن بابویه، التوحید: ۴۱-۴۴، ۱۴۱-۱۴۳، ۱۹۲.

^{۱۷} ابن‌سینا، المباحثات: ۴۱، ۱۰۴-۱۰۵، التعليقات: ۱۸۸-۱۸۹، الشفاء-الإلهیات: ۱۶۷؛ صدرالدین شیرازی، منطق نوین: ۱۴۹.

محتمل است که قائلین به نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی در اشکال به نظریه تمایز مفهومی صفات الهی بگویند: می‌توان مفاهیم صفات الهی را به طریق نامحدود، و بدون حیثیات ذهنی فرض نمود. در این صورت جمیع مفاهیم صفات الهی مبدل به یک معنای نامحدود می‌شوند که از حقیقت ذات مقدس الهی حکایت می‌نماید، زیرا اگر مفاهیم صفات الهی محدود باشند، متمایز و در نتیجه متعدّدند، اما اگر مفاهیم صفات الهی، نامحدود در نظر گرفته شوند، محال است که متعدّد باشند، زیرا فرض مفاهیم متعدّد نامحدود، مستلزم ترکیب مفهوم نامحدود از وجه مابالاشتراک و مابه‌الامتیاز نسبت به سایر مفاهیم نامحدود است، و حال آنکه ترکیب در مفهوم نامحدود راه ندارد، و این مستلزم مبدل شدن مفاهیم صفات الهی به یک معناست که از آن به اتحاد مفهومی صفات الهی تعبیر می‌شود. برای نمونه در مقاله‌ای بیان شده: اگر صفت را به نحو اثبات بلا تشبیه به حق تعالی نسبت دهیم، می‌توان سه مدل برای انتزاع صفات از ذات الهی پیشنهاد داد. ۱. ذهن مفهوم را از مصداق خارجی با توجه به آن حیثیتی که از اثر خاصی حکایت می‌کند، انتزاع می‌نماید، یعنی این حیثیات را ذهن با توجه به مصداق خارجی در نظر گرفته است، و حیثیات ذهنی در کنار مصداق حضور دارند. ۲. ذهن مفهوم را از مصداق خارجی بدون لحاظ اعتبارات ذهن انتزاع نماید. در این حالت هر صفت کمالی را که از آن مصداق کامل انتزاع می‌نماید، کامل می‌یابد. به بیان دیگر در انتزاع مفاهیم در مدل پیشین، صفات همراه با محدود نبودن به خداوند نسبت داده می‌شود، لیکن در نوع دوم، حیثیات لحاظ نمی‌شوند. در این مدل انتزاع صفات، مترادف مفهومی رخ می‌نماید، و دیدگاه ابن‌سینا خردپسند می‌یابد. ۳. بعد از اینکه مفهوم صفات از مصداق خارجی انتزاع شد، ذهن می‌تواند آن مفاهیم را با سلب و اضافه در نظر بگیرد، و این همان روشی است که ابن‌سینا در تعریف مفهومی صفات به کار می‌بندد.^{۱۸} در یکی دیگر از این مقالات بیان شده: طرح تکثر صفات، بیانگر نظر دقیق ابن‌سینا، و ارائه مترادف صفات نمایانگر نظر دقیق‌تر وی است، چرا که دقت ابن‌سینا در طرح مترادف صفات، سبب شده است، خداوند نه تنها از تکثر در خارج منزه گردد، بلکه از تکثر برآمده از حیثیات ذهنی نیز پیراسته گردد، در حالی که دیدگاه عینیت مصداقی و اختلاف مفهومی صفات از این ویژگی برخوردار نیست.^{۱۹} در یکی دیگر از این مقالات بیان شده: در یک نگرش می‌توان حیثیات ذهنی برای مفهوم صفات را در اطلاق صفات بر مصداق واجب تعالی دخیل نمود، و در نگرش دیگر مفاهیم را در ارتباط با حقیقت خارجی واجب تعالی از حیثیات ذهنی منزه نمود. دیدگاه ملاصدرا منطبق با نگرش اول، و نظریه ابن‌سینا مطابق با نگرش دوم است. دیدگاه ابن‌سینا دقیق‌تر از دیدگاه ملاصدراست، زیرا مفهومی بسیط، متناسب با مصداق بسیط واجب تعالی ارائه می‌دهد. بنابراین ابن‌سینا از اتهام تعطیل عقل از شناخت خداوند نیز مبرا است.^{۲۰} در مقاله دیگری بیان شده: شاید نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی را بتوان «تقریر توصیفی» نمود، و یا «تقریر اصلاحی». «تقریر توصیفی» به این معناست که نظر ابن‌سینا متوجه استعمال الفاظ مفاهیم و جنبه کاربردی آن‌ها بوده، و نه وضع و قرارداد الفاظ صفات که مدّ نظر ملاصدرا بوده است، لذا ابن‌سینا مفاهیم صفات الهی را چون درباره ذات مقدس خداوند کاربرد دارند، به یک معنا دانسته است. «تقریر اصلاحی» به این معناست که بر مبنای انعطاف‌پذیری زبان، می‌توان مفاهیم صفات الهی را از باب اینکه وجه مشترک، یعنی حکایتگری از ذات مقدس خداوند را دارند، از معنای اولیه صفات تا حدود زیادی، و نه صددرصد که امکان ندارد، پاک کرد، و در نتیجه مفاهیم صفات الهی را به معنای «واحد» و «مترادف» دانست. این مقاله یادآور شده است که اگر زبان این اجازه را به ما ندهد، نمی‌توان درباره ذات مقدس خداوند سخن گفت، و به

¹⁸ ذبیحی، ایرجی‌نیا، «صفات الهی از نگاه ابن‌سینا و توماس آکوئیناس»: ۳۷-۳۹.

¹⁹ ذبیحی، ایرجی‌نیا، «بررسی وجود شناختی صفات الهی از دیدگاه ابن‌سینا همراه با نقد ملاصدرا»: ۳۶-۳۷.

²⁰ ایرجی‌نیا، «برهان صدیقین و تأثیر آن در نظریه مترادف صفات الهی از دیدگاه ابن‌سینا»: ۲۱.

اضطرار باید ملزم به تعطیل عقل از معرفت به ذات مقدس خداوند شد.^{۲۱} در برخی دیگر از مقالات نیز مشابه با مقالات مذکور در توجیه نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی سعی شده، برای نمونه در مقاله‌ای بیان شده: مفاهیم صفات با التفات به مصداق و حکایتگری از مصداق، یکی هستند و این یعنی مترادف.^{۲۲} در مقاله دیگری بیان شده: دیدگاه ابن‌سینا درباره صفات الهی در دو سطح متوسط و عالی قابل بررسی است. در سطح متوسط، کثرت اوصاف و تبیین هریک از آن‌ها با سلب و اضافه‌ای خاص صورت گرفته است، به نحوی که هریک از صفات الهی، مفهومی متفاوت با یکدیگر دارند، اما در سطح عالی، بحث وحدت مفهومی اوصاف و مترادف میان آن‌ها مطرح است، به نحوی که این اوصاف، هم در مقام حقیقت و هم در مقام مفهوم، یگانه‌اند، و تکثر و اختلافی در میان نیست.^{۲۳} در مقاله دیگری بیان شده: با عنایت به شرایط خاص واجب‌الوجود که او را موجودی متمایز از دیگران کرده است، مفهوم حاکی از اوصاف واجب، امری متمایز از مفهوم حاکی از اوصاف ممکنات است، به نحوی که مفاهیم حاکی از اوصاف واجب‌الوجود، امری واحد است، حال آنکه مفاهیم حاکی از اوصاف ممکن، مختلف و متفاوت است.^{۲۴}

در نقد مقالات مذکور می‌گوییم: ابن‌سینا در ابتدا به تعریف مفاهیم صفات الهی با توجه به حیثیات سلبی و اضافی پرداخته، سپس به طرح نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی به عنوان نظریه دقیق‌تر خویش پرداخته است، اما نقدی که بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی بر نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی و تفاسیر مذکور از آن یعنی حذف حیثیات ذهنی از مفاهیم صفات الهی، و تقریر توصیفی - کاربردی بودن الفاظ مفاهیم صفات الهی مترتب است، این است که اگر مفاهیم صفات الهی با حفظ حیثیت تخصص معنایشان به طریق اثبات بلا تشبیه، منزله از حیثیات امکانی و نقصان صفات ماسوی‌الله، و دال بر حقیقت بسیط مطلق صفات الهی ملحوظ گردند، اشکالی لازم نمی‌آید، اما اگر نفس مفاهیم صفات الهی به طریق نامحدود و بدون حیثیات ذهنی ملحوظ گردند، دیگر مفاهیم صفات الهی، مفهوم صفات الهی نیستند، بلکه منقلب به حقیقت صفات الهی می‌شوند، و این محال است، زیرا مفاهیم صفات الهی در عین دلالت بر حقیقت ذات و صفات الهی به حسب مرتبه خاص وجود ذهنیشان، متمایز از حقیقت صفات الهی هستند. مضافاً بر اینکه اگر نفس مفاهیم صفات الهی به طریق نامحدود، و بدون حیثیات ذهنی ملحوظ شوند، مفاهیم صفات الهی وجه مابه‌الامتیاز خود را از دست داده، و به یک معنا مبدل می‌شوند، زیرا فرض مفاهیم متعدد نامحدود، مستلزم ترکیب مفهوم نامحدود از وجه مابالاشتراک و مابه‌الامتیاز نسبت به سایر مفاهیم نامحدود است، و حال آنکه ترکیب در نامحدود راه ندارد، و این به معنای محو معنای تخصصی صفات الهی است، زیرا تصور مفهومی که هیچ حدی، و در نتیجه هیچ معنای تخصصی‌ای نداشته باشد، امکان‌پذیر نیست. به بیان دیگر، حذف جمیع حیثیات ذهنی از مفاهیم صفات الهی، و بسیط مطلق و بدون حدود و ثغور در نظر گرفتن مفاهیم صفات الهی، مستلزم امحاء کامل معنای تخصصی صفات الهی از ذهن است، و این مستلزم آن است که مفاهیم صفات، مفاهیم صفات نباشند، برای مثال مفهوم علم و قدرت الهی به مفهوم علم و قدرت الهی نباشد، و این مستلزم این است که مفاهیم صفات الهی بعد از اثبات اتصاف حق تعالی به آن‌ها به نوعی از حقیقت ذات مقدس الهی سلب شوند، و این به معنای نوعی تعطیل عقل از معرفت به حقیقت ذات مقدس الهی است، زیرا معرفت به حقیقت ذات و صفات الهی بدون معنای تخصصی صفات الهی امکان‌پذیر نیست. البته سلب مذکور، سلب مفاهیم صفات الهی

^{۲۱} زمانی، «ملاحظات معناشناختی در تحلیل مسئله اتحاد و تغایر مفهومی صفات خداوند از دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا»: ۲۸۵-۲۸۶.

^{۲۲} صادقی، «طرح آشتی مترادف سینوی و عینیت صدرایی در باب صفات الهی»: ۵۳.

^{۲۳} شهیدی، «مفهوم‌شناسی اوصاف الهی در فلسفه ابن‌سینا»: ۳۱.

^{۲۴} شهیدی، «عینیت مفهومی اوصاف الهی در فلسفه ابن‌سینا»: ۱.

به حسب محدودیت حیثیت حکایی آن‌ها نیست، زیرا در آن طریق، مفاهیم صفات الهی بعد از آنکه در ادقّ معانی ملحوظ می‌گردند، از حیث محدودیت و در نتیجه، نارسایی حیثیت حکایشان از حقیقت ذات مقدس الهی سلب می‌گردند، اما سلب مفاهیم صفات از حقیقت ذات مقدس الهی که در دیدگاه اتحاد مفهومی صفات الهی لازم می‌آید، به معنای خارج کردن مفاهیم صفات الهی از دقت، مفید معنای خاص صفات الهی بودن، و دلالت کامل بر کمالات خاص حقیقت ذات مقدس الهی نمودن است، درحالی‌که منظور از استعمال مفاهیم هریک از صفات الهی، دلالت آن بر کامل‌ترین معنایی است که ذهن قادر است جهت دلالت بر حقیقت ذات و صفات الهی استعمال نماید، زیرا هرکدام از مفاهیم صفات الهی بر اساس محدودیت و تخصص معنایشان، مفید مفهومی خاص از حقیقت صفات ذات مقدس الهی است که به طریق اثبات بلاتشبیّه بر حقیقت کمالات نامحدود حق تعالی دلالت می‌نماید، همچنین قول به حذف بخشی از حیثیات ذهنی از مفاهیم صفات الهی، و به تعبیر دیگر محو بخشی از معانی تخصصی صفات الهی جهت اتحاد مفهومی صفات الهی، مستلزم خدشه به مفاهیم صفات الهی و نقصان آن‌ها است، زیرا معنای تخصصی مفاهیم صفات الهی به هر میزان که حذف شود، به همان میزان، مفاهیم صفات الهی ناقص، و در دلالت بر کمال خاصی که حق تعالی در حقیقت به آن متصف است، نارسا می‌شوند. لازم به ذکر است که منظور از ناقص و نارسا شدن مفاهیم صفات الهی در اینجا نارسایی مفاهیم از اکتشاف حقیقت ذات و صفات الهی نیست، بلکه به معنای ناقص در نظر گرفتن مفاهیم صفات نسبت به مرتبه‌ای از مفاهیم صفات الهی است که به طریق اثبات بلاتشبیّه در ادقّ معانی ملحوظ می‌گردد. همچنین نقدی که به تفسیر نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی از طریق پیشنهاد تقریر اصلاحی مفاهیم صفات الهی بر مبنای انعطاف‌پذیری زبان مترتب است، این است که اگر بتوان مفاهیم صفات الهی را از باب اینکه وجه مشترک، یعنی حکایتگری از حقیقت ذات- مقدس الهی را دارند از معنای اولیه صفات تا حدود زیادی، و نه صددرصد که امکان ندارد، پاک نمود، اتحاد مفهومی صفات الهی به طور کامل محقق نمی‌شود، زیرا اتحاد حقیقی به معنای محو جمیع حیثیات ذهنی صفات الهی، غیر از حیثیت مشترک مفاهیم صفات الهی است، ثانیاً، اگر تا حدود زیادی معنای تخصصی مفاهیم صفات الهی پاک شود، و فقط حیثیت مشترک مفاهیم صفات الهی یعنی حکایتگری آن‌ها از حقیقت ذات مقدس الهی در نظر گرفته شود، چیزی از معنای صفات الهی، جز حکایتگری از حقیقت ذات مقدس الهی بدون حیثیت تخصصی مفاهیم صفات الهی باقی نمی‌ماند، و این مستلزم نوعی سلب مفاهیم تخصصی صفات الهی از حقیقت ذات مقدس الهی است. بنابراین دیدگاه اتحاد مفهومی صفات الهی است که می‌تواند منجر به تعطیل عقل از معرفت به حقیقت ذات مقدس الهی شود، نه اینکه عدم الزام به اتحاد مفهومی صفات الهی مستلزم تعطیل عقل از معرفت به حقیقت ذات مقدس الهی باشد.

۳. تبیین صحت انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت ذات واحد و بسیط مطلق حق تعالی بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی

ابن سینا نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی را به دلیل اینکه قول به بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی را با انتزاع مفاهیم متعدد صفات از حقیقت ذات مقدس الهی به نوعی متعارض دانسته، موجه دانسته است، به این طریق که با توجه به نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی، مفاهیم صفات الهی مبدل به یک معنا می‌شوند، در نتیجه محذور مذکور لازم نمی‌آید.^{۲۰} توضیح اینکه محتمل

^{۲۰} ابن سینا، تسع رسائل فی الحکمة والطبیعیات: ۱۱۲-۱۱۳.

است برای برخی تصور صدق مفاهیم متغایر بر ذات واحد و بسیط، ناممکن جلوه کند، به این طریق که گفته شود: چگونه از حقیقت ذات بسیط مطلق الهی، مفاهیم متعدد صفات الهی انتزاع می‌شود؟ به بیان دیگر مفاهیم متعدد صفات الهی بر حیثیات حقیقی متعدد در حقیقت ذات مقدس الهی دلالت می‌کند، و وجود حیثیات حقیقی متعدد در حقیقت ذات مقدس الهی با بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی منافات دارد. برای نمونه در مقاله‌ای، نظریه ابن‌سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی با این توضیح که مفاهیم صفات الهی، موقعی که وصف حق تعالی واقع می‌شوند، مفاهیم خاص و مقیدشان، محو، و همه به یک معنا در حکایتگری از حقیقت ذات مقدس الهی مبدل می‌شوند، موجه دانسته شده است. در این مقاله بساطت مطلق واجب تعالی، پیراسته بودن ذات مقدس الهی از هرگونه حیثیت حتی حیثیات اعتباری، و اینکه انتزاع مفاهیم متعدد از مصداق واحد از جمیع جهات، نوعی ناسازگاری و تناقض را در پی خواهد آورد، از مبانی نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی دانسته شده است، همچنین در این مقاله بیان شده اگر انتزاع معنای واحد از اموری که هیچ وجه اشتراکی بین آنها نیست، محال است، انتزاع معانی متعدد از ذاتی که هیچگونه کثرتی در آن راه ندارد، و از تمامی جهات بسیط است، نیز روا نخواهد بود.^{۲۶} در مقاله دیگری، لحاظ حقیقت صرف وجود حق تعالی در برهان صدیقین، مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی دانسته شده، و بیان شده: با تثبیت برهان صدیقین و ترادف صفات، و بیان ملازمه بین صفات و ذات الهی، و تبیین برهان شبه لم، همان ملازمات عامه، روشن می‌گردد که برهان اثبات ذات الهی، همان برهان اثبات صفات و ترادف و تعریف آنهاست.^{۲۷} در مقاله دیگری نیز به نظریه وحدت مصداقی حقیقت ذات و صفات الهی به دلیل تعارض انتزاع مفاهیم متعدد از مصداق واحد و بسیط انتقاد شده است.^{۲۸} از این رو در این قسمت در راستای نقد نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی، به تبیین صحت انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت ذات واحد و بسیط مطلق حق تعالی بدون اینکه کثرتی در حقیقت ذات مقدس او لازم آید، پرداخته می‌گردد.

طریق اول. آنچه مخّل جزء ذات الهی بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی است، اتصاف حقیقت ذات مقدس الهی به صفات حقیقی محدود است، خواه صفات حقیقی محدود، جزء ذات الهی، و یا به طریق منحاز و منفک از حقیقت ذات مقدس الهی، و یا حیثیات وجودی لازم متأخر از حقیقت ذات مقدس الهی، و یا اعراض زائد بر حقیقت ذات مقدس الهی در نظر گرفته شوند، اما اتصاف حقیقت ذات مقدس الهی به حقیقت صفات نامحدود، مخّل بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی نیست، زیرا حقیقت نامحدود صفات الهی، جزء ذات الهی، عارض و زائد در داخل یا خارج از ذات الهی، و حادث در ذات الهی نیست.

طریق دوم. پاسخی که بر اساس فلسفه مشاء اسلامی و حکمت متعالیه به شبهه مذکور می‌توان داد، این است که حقیقت صرف وجود، مساوق وحدت و بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی، و اتصاف حقیقت ذات مقدس الهی به حقیقت اتم و اکمل صفات حقیقت مطلقه وجود است، بنابراین اتصاف حقیقت بسیط مطلق ذات مقدس الهی به صفات حقیقی بسیط مطلق، و انتزاع

^{۲۶} ذبیحی، «اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب تعالی از دیدگاه ابن‌سینا»: ۳۹-۴۳؛ فلسفه مشاء با تکیه بر اهم آراء ابن‌سینا: ۳۹۳-.

۴۰۰.

^{۲۷} ایرجی‌نیا، «برهان صدیقین و تأثیر آن در نظریه ترادف صفات الهی از دیدگاه ابن‌سینا»: ۲۱.

^{۲۸} توافیانی، «رویکرد کلامی - فلسفی به مسأله عینیت صفات و بررسی دیدگاه ملاصدرا و ابن‌سینا در خصوص آن»: ۸۳، ۹۸.

مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت بسیط مطلق ذات و صفات الهی، نه تنها مخّل و منافی بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس - الهی نیست، بلکه مؤید آن است.^{۲۹}

طریق سوم. یکی از معانی اسم «الصّمد» بر اساس معنای لغوی، و روایات ائمه اطهار (صلوات الله تعالی علیهم اجمعین)، مجوّف نبودن، و مدخل نداشتن حقیقت ذات مقدس الهی است.^{۳۰} یعنی خالی نبودن حقیقت ذات مقدس الهی از صفات کمالیه الهی، و محال بودن ورود امکان، نقصان، و هرگونه خللی در حقیقت ذات مقدس الهی، از این رو بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی به معنای توخالی بودن حقیقت ذات مقدس الهی، و به عبارت دیگر عدم اتصاف حقیقت ذات مقدس الهی به حقیقت صفات کمالیه الهی نیست، بلکه حقیقت وجود حق تعالی، وجود خالص و نابی است که بر مبنای صمدی الذات بودن، متصف به حقیقت جمیع صفات کمالیه به طریق اتم و اعلی است، و مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت بسیط مطلق ذات مقدس الهی انتزاع می گردد.

طریق چهارم. پاسخی که ملاصدرا و حکیم سبزواری به طریق تمثیل به شبهه مذکور داده اند این است که انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت بسیط مطلق ذات مقدس الهی مستلزم محذوری نیست، همان گونه که انتزاع مفاهیم متعدد معلوم، مقدور، و... از نفس انسان، موجب تجزیه نفس انسان نمی شود. بنابراین انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت واحد و بسیط مطلق ذات مقدس الهی، مستلزم ورود کثرت در حقیقت ذات مقدس الهی نیست.^{۳۱}

در این راستا توجه به این نکته نیز لازم است که عقل آدمی صرفاً مفهومی از وحدت حقیقی حقیقت ذات و صفات الهی که بر حقیقت وحدت حقیقی حقیقت ذات و صفات الهی دلالت می نماید را درک می نماید، اما کنه حقیقت این وحدت را ادراک نمی کند، زیرا اساساً عقل به دلیل اینکه نسبت به حقیقت ذات مقدس الهی، محدود و محاط است، قادر به ادراک کنه حقیقت ذات و صفات الهی، و نیز کنه حقیقت وحدت حقیقی حقیقت ذات و صفات الهی نیست، چنان که در روایات ائمه اطهار (صلوات الله تعالی علیهم اجمعین)، اعتراف به عجز، و ترک تعمق در مسائلی که عقل قادر به شناخت آن نیست، از جمله کنه حقیقت صفات الهی، امری ممدوح، و از مقامات راسخون فی العلم برشمرده شده است. ر.ک.^{۳۲} ملاصدرا در این باره بیان نموده: مفهوم ذات مقدس - الهی، مفاهیم صفات الهی، و مفهوم عینیت ذات و صفات الهی که در ذهن مرتسم می گردد، بیانگر حقیقت ذات و صفات الهی، و حقیقت عینیت آن هاست، اما در عین حال، عقل قادر به اکتناه حقیقت ذات و صفات الهی، و اکتناه حقیقت عینیت حقیقت ذات و صفات الهی نیست.^{۳۳}

ماحصل مطلب این است که از حقیقت ذات مقدس الهی که متصف به حقیقت صفات کمالیه به طریق وحدانی و صمدانی است، مفاهیم متعدد صفات الهی به طریق اثبات بلا تشبیه انتزاع می گردد، بدون اینکه کثرتی در حقیقت ذات مقدس الهی لازم آید. بنابراین واضح است که عدم وجه اشتراک، مصحح قول به محال بودن انتزاع معنای واحد از اموری که هیچ وجه اشتراکی ندارند، می باشد، اما بساطت مطلق، مصحح قول به محال بودن انتزاع مفاهیم متعدد از حقیقت بسیط مطلق ذات و صفات الهی نیست. بنابراین

^{۲۹} ابن سینا، المباحثات: ۴۱، ۱۰۴-۱۰۵، التعليقات: ۱۸۸-۱۸۹، الشفاء - الإلهيات: ۱۶۷، الإشارات والتنبيهات: ۱۰۲، المبدأ والمعاد: ۱۰-۱۱؛ صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۶: ۱۴۸، ۶: ۱۵۴.

^{۳۰} ابن بابویه، التوحید: ۹۰، ۹۳، ۱۴۰، معانی الأخبار: ۶-۷.

^{۳۱} صدرالدین شیرازی، المبدأ والمعاد: ۷۳-۷۴؛ سبزواری، شرح المنظومة: ۳: ۵۵۱-۵۵۳.

^{۳۲} نهج البلاغة: خطبة ۹۱.

^{۳۳} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۱: ۳۴۷.

قول ابن سینا و تفاسیر مذکور از آن که بر مبنای بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی به توجیه نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته‌اند، موجه نیست، به بیان دیگر نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی بر مبنای بساطت مطلق حقیقت ذات مقدس الهی، و قول به اینکه انتزاع مفاهیم متعدد از مصداق واحد از جمیع جهات، نوعی ناسازگاری و تناقض را در پی خواهد آورد، قابل استنتاج نیست. همچنین اثبات وجود حق تعالی به عنوان حقیقت صرف و بسیط مطلق وجود در برهان صدیقین، مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی نیست، بلکه بر اساس صحت انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت ذات مقدس الهی که حقیقت صرف و بسیط مطلق وجود است، مستلزم اتصاف حقیقت ذات مقدس الهی به حقیقت جمیع صفات الهی به طریق اتم و اعلی، و در نتیجه صحت انتزاع مفاهیم متعدد صفات الهی از حقیقت بسیط مطلق ذات مقدس الهی است.

۴. تبیین تفاوت «ارجاع مفاهیم صفات الهی به یکدیگر» با «اتحاد مفهومی صفات الهی» بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی

با توجه به اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی، اتحاد مفهومی صفات الهی آن گونه که ابن سینا مطرح نموده، متفاوت از ارجاع مفهومی صفات الهی به یکدیگر است که در روایات ائمه اطهار (صلوات الله تعالی علیهم اجمعین) و قول حکمای الهی مطرح گردیده است. اتحاد مفهومی صفات الهی طبق تصریحات ابن سینا به معنای عینیت مفهومی صفات الهی، و مبدل شدن مفاهیم صفات الهی به یک مفهوم در حکایت از حقیقت ذات مقدس الهی، و در نتیجه محو شدن معنای تخصصی صفات الهی است. به بیان دیگر مفاهیم صفات الهی به جهت اتحاد با یکدیگر، معنای تخصصی خود را از دست می‌دهند تا عین مفهوم یکدیگر، و مبدل به یک معنا شوند که غیر از معنای اصلی و خاص آن‌هاست،^{۳۴} زیرا اتحاد حقیقی همان گونه که ابن سینا در آثار خویش به آن اشاره نموده، به این معناست که شیء در اثر اتحاد با شئی غیر از خود، ماهیت اصلی خود را از دست داده، و تبدیل به شئی جدید با خصوصیات جدید شود که غیر از خصوصیات اشیائی است که با هم متحد شده‌اند،^{۳۵} اما ارجاع مفهومی صفات الهی به یکدیگر به این معناست که مفاهیم صفات الهی به لحاظ شمول و احاطه معنایی، ظهور و بطون، و عام و خاص بودن ذومراتب هستند، به این معنا که مفهوم برخی از صفات الهی، نسبت به مفهوم برخی دیگر از صفات الهی احاطه و تفاضل داشته، و جامعیت افزون‌تری دارد، و بر کمالات افزون‌تری از حقیقت ذات مقدس الهی دلالت می‌نماید. مفاهیم هریک از صفات الهی، بیانگر ظهور مفهومی خاص از مفاهیم صفات الهی است که در باطن آن، مفهوم سایر صفات الهی مستور است، همان گونه که در باطن حقیقت هریک از صفات الهی، حقیقت سایر صفات الهی مستور است، زیرا حقیقت ذات و صفات الهی، واحد به وحدتی حقیقی است. محتمل است که این سؤال به ذهن مخاطب متبادر شود که قول به اینکه در باطن مفهوم هر صفتی از صفات الهی، مفاهیم سایر صفات کمالیه الهی مستور است، متضمن اطلاق مفاهیم صفات الهی است، بنابراین چگونه با محدودیت مفاهیم صفات الهی قابل جمع است؟ پاسخ این است که صحیح است که مفاهیم صفات الهی محدود است، اما این به معنای محدودیت محض مفاهیم صفات الهی نیست، بلکه مفاهیم صفات الهی نسبت به حقیقت ذات و صفات الهی، محدود و محاط است، مضافاً بر اینکه هریک از مفاهیم صفات الهی در عین ارجاع به یکدیگر، به دلیل محدودیتشان، معنای اصلی تخصصی خود را حفظ می‌کنند، بدون اینکه از معنای تخصصی آن‌ها کاسته شود، در نتیجه قول به اینکه در باطن مفهوم هر صفتی از صفات الهی،

^{۳۴} ابن سینا، المبدأ والمعاد: ۲۱.

^{۳۵} ابن سینا، الإشارات والتنبيهات: ۱۲۹.

مفاهیم سایر صفات الهی مستور است، مستلزم اطلاق و نامحدود بودن مفاهیم صفات الهی نمی‌باشد. نکته بعدی درباره ارجاع مفاهیم صفات الهی به یکدیگر این است که ارجاع مفاهیم ثبوتی به معانی سلبی خاص، مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی نیست، زیرا هریک از معانی سلبی محدودند، و نقص خاصی را از حقیقت ذات مقدس الهی سلب می‌نمایند. برای نمونه مفاهیم عدم‌های مضافی از جمله عدم جهل، و عدم عجز غیر از یکدیگر است. همچنین مفاهیم سلبی صفات الهی که عموم حیثیات امکانی و نواقص صفات مخلوقات را از حقیقت ذات مقدس الهی سلب می‌نمایند، نیز محدود و در نتیجه متمایزند، و هریک به طریق خاصی، نواقص را از حقیقت ذات مقدس الهی سلب می‌نمایند. همچنین ارجاع مفاهیم اضافی به مفهوم اضافی مرجع، نیز مستلزم اتحاد مفاهیم اضافی نیست، بلکه مفاهیم اضافی صفات الهی در عین ارجاع به مفهوم اضافی مرجع، معنای تخصصی خود را حفظ می‌نمایند، و مبدل به یک معنا نمی‌شوند. نتیجه اینکه ارجاع مفهومی صفات الهی به یکدیگر به معنای اتحاد و تبدیل مفاهیم صفات الهی به معنای جدیدی غیر از معنای اصلی مفاهیم صفات الهی نیست، زیرا مفاهیم صفات الهی به دلیل محدودیت معنایشان، همواره معنای اصلی تخصصی خود را حفظ می‌نمایند، و با حفظ معنای تخصصی خود، به لحاظ شمول و احاطه مفهومی به یکدیگر ارجاع می‌گردند، چنان‌که ملاصدرا هم به نقد صریح نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته،^{۳۶} و هم به ارجاع مفهومی صفات الهی به یکدیگر با حفظ اصل معنای تخصصی مفاهیم صفات الهی تصریح نموده است، از این‌رو به نظر ملاصدرا، ارجاع مفهومی صفات الهی به یکدیگر، مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی نیست.^{۳۷} علامه طباطبایی نیز بیان نموده: حقیقت ذات و صفات الهی واحد است، اما مفاهیم صفات الهی متعدد است، و این مفاهیم در عین تعدد، به طرق متعدد به یکدیگر ارجاع می‌گردند.^{۳۸}

در دو مقاله، وحدت مصداقی ذات و صفات الهی، اساس و پایه نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی و ملازم آن دانسته شده، و تعریف مفهومی صفات الهی با توجه به حیثیات سلب و اضافی صفات الهی، و ارجاع مفاهیم صفات الهی به مفهوم موجود، توسط ابن‌سینا مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی دانسته شده، و دراینباره چنین نگاشته شده: منظور ابن‌سینا از نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی با توجه به حیثیات سلبی و اضافی مفاهیم صفات، به معنای یکسانی تقرر مفهومی صفات الهی است، به این معنا که با توجه به لحاظ‌های سلبی یا اضافی، و سلبی و اضافی با هم که در هر صفتی نهفته است، همه صفتهایی که بر خداوند حمل می‌شوند، یک معنا و حقیقت دارند، و آن همان صفت اصلی ذات خداوند است که ابن‌سینا از آن به «ان» و «موجود» یاد می‌کند. برای نمونه در این مقالات بیان شده: در مفهوم «علم، قدرت، حیات، اراده، رضا، جود، و فیض ذات مقدس- الهی»، منشئیت صدور افعال الهی نهفته است، و لذا مفاهیمشان متحد، و عین یکدیگر است.^{۳۹}

نظر دو مقاله مذکور در اثبات نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی غیرمدققانه است. توضیح مطلب این است که ابن‌سینا در کتاب «شفاء - الإلهیات»، «النجاة»، و «التعلیقات» به بیان معانی برخی از مفاهیم صفات الهی از جمله «علم، اراده، قدرت، عنایت، فیض، جود، و حکمت الهی»، و منشأ صدور بودن صفات مذکور در صدور افعال الهی، فرق بین مفاهیم صفات حق تعالی و

^{۳۶} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۶: ۱۴۵-۱۴۶، مفاتیح الغیب: ۳۲۵.

^{۳۷} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۶: ۱۴۵، المبدأ والمعاد: ۷۵، تفسیر القرآن الکریم: ۵: ۳۵۷.

^{۳۸} طباطبایی، الرسائل التوحیدیة: ۳۹-۴۷.

^{۳۹} قاسم‌پور، ذہبی، و سعیدی‌مهر، «تبیین اندیشه ابن‌سینا در باب صفات الهی»: ۱۴۹، ۱۶۲-۱۶۵؛ قاسم‌پور، ذہبی، «اتحاد مفهومی صفات الهی در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن‌سینا»: ۳۸-۴۰.

صفات موجودات، و تعریف مفاهیم صفات الهی از طریق مفاهیم سلبی و اضافی و یا سلبی و اضافی با هم پرداخته است،^{۴۰} اما این مطلب با نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی که ابن سینا بعد از تعریف مفاهیم صفات الهی مطرح نموده، و به معنای عینیت مفهومی صفات الهی است، متفاوت است. توضیح مطلب این است که اگرچه در مفاهیمی از جمله «علم، قدرت، حیات، اراده، حکمت، رضا، جود، و فیض الهی» منشئت صدور افعال الهی نهفته است، اما این مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی، و مبدل شدن مفاهیم صفات الهی به یک مفهوم نمی‌شود، برای نمونه مفهوم اضافه علم به معلوم، متمایز از مفهوم اضافه قدرت به مقدور است، همچنین ارجاع مفاهیم صفات الهی به معانی سلبی، مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی و مبدل شدن مفاهیم صفات الهی به یک مفهوم نمی‌شود، برای نمونه مفهوم «علم» به لحاظ مفهوم سلبی به عدم جهل، و مفهوم «قدرت» به لحاظ مفهوم سلبی به عدم عجز تعبیر می‌شود، و واضح است که مفهوم عدم‌های مضافی از جمله عدم جهل و عدم عجز، غیر از یکدیگر است. ثانیاً، ارجاع مفاهیم صفات الهی به یکدیگر به حسب احاطه و شمول مفهومی صفات الهی نسبت به یکدیگر، همان‌گونه که در تحلیل نظریه تمایز مفهومی صفات الهی بیان شد، متفاوت از اتحاد مفهومی صفات الهی است، از این‌رو ارجاع مفهومی صفات الهی توسط ابن سینا از جمله ارجاع جمیع مفاهیم سلبی صفات الهی به مفهوم نفی امکان از حقیقت ذات مقدس الهی، ارجاع جمیع مفاهیم صفات ثبوتیه الهی به مفهوم «موجود بودن ذات مقدس الهی»، ارجاع جمیع مفاهیم صفات اضافی به مفهوم «قیومیت»، ارجاع مفهوم «قیومیت» به مفهوم «قدرت»، ارجاع مفهوم «قدرت» به مفهوم «موجود بودن ذات مقدس الهی»، و در نتیجه ارجاع جمیع مفاهیم صفات الهی به مفهوم «آن یا موجود»، هرچند مفهوم وجود بر حقیقت وجود دلالت می‌نماید، و حقیقت وجود طبق اصول و مبانی فلسفه اسلامی منبع جمیع خیرات و کمالات است، مستلزم اتحاد مفهومی صفات الهی، و به تعبیر دیگر مبدل شدن جمیع مفاهیم صفات الهی به یک مفهوم نیست، زیرا هریک از مفاهیم صفات الهی در عین حال که به مفهوم وجود ارجاع می‌شوند، با حفظ تخصص معنایی خود به حقیقت کمالیه خاصی که حق تعالی به آن متصف است، دلالت می‌نمایند، و مفهوم وجود نیز با حفظ معنای خود، شامل مفاهیم صفات کمالیه الهی می‌شود. مضافاً بر اینکه بر اساس مبانی فلسفه اسلامی است که گفته می‌شود: مفهوم وجود از آن جهت که بر حقیقت وجود دلالت می‌نماید، مشتمل بر جمیع مفاهیم صفات الهی است، اما طبق دیدگاهی دیگر، مفهوم وجود، صرفاً بر حقیقت وجود حق تعالی دلالت می‌نماید، و اسم جامع «الله» است که مشتمل بر مفاهیم جمیع صفات الهی به طریق اعتدال است، و در آن صورت نیز مفاهیم صفات الهی با حفظ معنای تخصصی خود به مفهوم اسم جامع «الله» ارجاع داده می‌شوند، و اسم جامع «الله» نیز با حفظ معنای تخصصی خود، مفهومی جامع است که مشتمل بر جمیع مفاهیم صفات الهی است. ثالثاً، هرچند ابن سینا در تقسیم‌بندی قبلی خود به بیان مفاهیم صفات ثبوتیه الهی، و تقسیم آن‌ها به صفات حقیقیه محضه و حقیقیه ذوالاضافه، و تجرید مفاهیم صفات از حیثات امکانی پرداخته است، اما اینکه در مرحله بعد، مفاهیم جمیع صفات ثبوتیه الهی را به صرف مفاهیم سلبی و اضافی الهی ارجاع داده است، خالی از اشکال نیست، زیرا از اثبات مفاهیم بلا تشبیه صفات الهی یعنی در نظر گرفتن حیثیت ایجابی مفاهیم صفات الهی در کنار حیثیت سلبی و تجرید مفاهیم صفات الهی از حیثات امکانی، و نیز مفاهیم صفات حقیقیه ذوالاضافه که مبادیشان در حقیقت ذات مقدس الهی، و اضافه و تعلقشان به غیر و خارج از حقیقت ذات مقدس الهی است، به نوعی غفلت شده، و صرفاً به اثبات مفاهیم سلبی و اضافی صفات ذات مقدس الهی اکتفاء شده است. نتیجه اینکه بر مبنای اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی، مفاهیم صفات

^{۴۰} ابن سینا، الشفاء - الالهیات: ۳۶۷-۳۷۰، النجاة من الغرق فی بحر الضلالت: ۶۰۰-۶۰۴، التعليقات: ۱۳-۲۲، ۱۱۷-۱۱۸.

الهی، محدود و در نتیجه متمایزند، هرچند مفاهیم صفات الهی به لحاظ حیثیات سلبی و اضافی ملحوظ، و به یکدیگر ارجاع کردند.

۵. وجه تمایز نقد نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی در نوشتار حاضر با سایر نقدهای طرح شده تاکنون درباره نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی

ملاصدرا و حکیم سبزواری، نظریه «اتحاد مفهومی صفات الهی» را بدون ذکر قائلین به این نظریه، نظری خطا دانسته، و از طریق ابطال ترادف الفاظ غیر مشترک صفات الهی به نقد آن پرداخته، و آن را مستلزم بی فایده بودن حمل صفات متعدد بر ذات مقدس الهی، و تعطیل حقیقت ذات مقدس الهی از صفات الهی، و تعطیل عقل از معرفت به حقیقت ذات مقدس الهی دانسته اند.^{۴۱} علامه طباطبائی بیان نموده: آنچه گفته شده که حقیقت صفات، عین حقیقت ذات مقدس الهی است، و در عین حال مترادف به معنی واحد است، گویا از اشتباه مفهوم به مصداق است. آنچه مبرهن است این است که مصداق ذات و صفات الهی واحد است، اما مفاهیم صفات، متغایرنند، و اصلاً متحد نمی شوند، زیرا زبان و عرف، ترادف را تکذیب می کند.^{۴۲} در مقاله ای، نقد ملاصدرا به نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی صحیح دانسته شده، و نظریه ابن سینا مبنی بر اتحاد مفهومی صفات الهی مردود دانسته شده است.^{۴۳} در مقاله ای دیگر نیز به نقد نظریه ابن سینا درباره اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته شده، و چنین نتیجه گرفته شده: از مجموع عبارات ابن سینا چنین استفاده می شود که وی معتقد به نظریه عینیت مصداقی صفات با ذات الهی بوده، اما در شرح این دیدگاه به گونه ای سخن گفته که ادعای اتحاد مفهومی صفات نیز از آن فهمیده می شود. دیدگاه اتحاد مفهومی صفات به دلیل لوازم نادرستی چون اشتراك لفظی صفات، بی فایده بودن حمل صفات متعدد بر ذات واجب تعالی، تعطیل ذات الهی از صفات یا تعطیل عقل از شناخت واجب تعالی، و جاری کردن احکام مصداق بر مفهوم قابل پذیرش نیست، همچنین انتزاع یا اطلاق مفاهیم متعدد از ذات واحد الهی یا بر ذات واحد الهی، هیچ کثرتی را در مصداق ایجاد نمی کند، و وحدت مصداق در وحدت مفاهیم هیچ تأثیری ندارد.^{۴۴}

نقدی که ملاصدرا درباره نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی به لحاظ زبان شناسی از جمله اشتراك لفظی صفات الهی، و بی فایده بودن حمل مفاهیم صفات متعدد بر حقیقت ذات مقدس الهی در صورت اتحاد مفهومی صفات الهی مطرح نموده،^{۴۵} خالی از اشکال نیست، زیرا محتمل است که با توجه به اینکه طبق تحقیقات، بعد از ابن سینا فرد دیگری قبل از ملاصدرا، قائل به اتحاد مفهومی صفات الهی نشده، و نیز با توجه به اینکه تعبیر خردمندان اهل دقت از سوی ملاصدرا درباره افرادی که قائل به اتحاد مفهومی صفات الهی شده اند، به کاررفته، منظور ملاصدرا از قائلین به اتحاد مفهومی صفات الهی، ابن سینا بوده باشد، و حال آنکه مسلماً نمی توان ادعا کرد که ابن سینا رئیس فلاسفه اسلامی به تغایر مفهومی الفاظ غیر مشترک با یکدیگر توجه نداشته است. وجه

^{۴۱} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۶: ۱۴۵، شرح اصول الکافی، ج ۳: ۵۸، مفاتیح الغیب: ۳۲۵، اسرارالآیات: ۳۹-۴۰؛ سبزواری، شرح المنظومة: ۳: ۵۵۱-۵۵۳.

^{۴۲} طباطبائی، نهاية الحکمة: ۲۸۷.

^{۴۳} تویزانی، «رویکرد کلامی - فلسفی به مسأله عینیت صفات و بررسی دیدگاه ملاصدرا و ابن سینا در خصوص آن»: ۸۳، ۹۸.

^{۴۴} احمدوند، «نقد و بررسی نظریه اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات الهی»: ۱۹۰-۱۹۱.

^{۴۵} صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة: ۶: ۱۴۵، شرح اصول الکافی، ج ۳: ۵۸، مفاتیح الغیب: ۳۲۵، اسرارالآیات: ۳۹-۴۰.

تمایز نقدی که در نوشتار حاضر درباره اتحاد مفهومی صفات الهی مطرح شده با نقدهای مذکور این است که در نوشتار حاضر از طریق ابطال تغایر مفهومی الفاظ غیرمشتک، به نقد نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته نشده، بلکه از طریق اصل محدودیت مفاهیم و بساطت حقیقت صفات الهی، به تبیین تمایز مفاهیم صفات الهی، و نقد نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی پرداخته شده، مضافاً بر اینکه نسبت تعطیل ذات مقدس الهی از صفات الهی، و به تعبیر دیگر سلب مطلق صفات، اعم از مرتبه مفهومی و حقیقی صفات الهی از حقیقت ذات مقدس الهی، و نیز تعطیل عقل از معرفت به حقیقت ذات مقدس الهی به ابن سینا خالی از اشکال نیست، زیرا ابن سینا در آثار خویش، قبل از طرح نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی، به تعریف مفاهیم متعدد صفات الهی با توجه به حیثیات سلبی و اضافی مفاهیم صفات الهی که بیانگر تمایز مفهومی صفات الهی است، پرداخته، و سپس نظریه اتحاد مفهومی صفات الهی را به عنوان مرتبه والاتری از معرفت به حقیقت ذات مقدس الهی مطرح نموده است، به این معنا که صفات الهی، موقعی که وصف حقیقت ذات مقدس الهی واقع شوند، مفهوم خاص و مقیدشان، محو، و همه به یک معنا در حکایت از حقیقت ذات مقدس الهی مبدل می شوند.

نتیجه گیری

اتحاد مفهومی صفات الهی چنان که ابن سینا به آن تصریح نموده، اگر به این معنا باشد که مفاهیم متغایر صفات، موقعی که وصف حقیقت ذات مقدس الهی واقع می شوند، متحد می شوند، و یا تفسیر گردد به «بسیط در نظر گرفتن نفس مفاهیم صفات الهی با حذف حیثیات ذهنی از مفاهیم صفات الهی»، «توصیفی-کاربردی بودن الفاظ مفاهیم صفات الهی»، «اصلاح مفاهیم صفات الهی بر مبنای انعطاف پذیری زبان»، و نیز «یکسانی تقرر مفهومی صفات الهی با توجه به حیثیات سلبی و اضافی، و ارجاع مفاهیم صفات الهی به مفهوم موجود»، با توجه به اصل محدودیت مفاهیم صفات و بساطت حقیقت صفات الهی، با اشکالات متعددی از جمله خلط مفهوم و مصداق، محو کامل یا بخشی از معنای تخصصی صفات الهی بسته به میزان اتحاد مفهومی صفات الهی، و نیز یکسان دانستن ارجاع مفاهیم صفات الهی به یکدیگر با اتحاد مفهومی صفات الهی مواجه است، مگر اینکه منظور ابن سینا از اتحاد مفهومی صفات الهی چیز دیگری غیر از تفاسیر مذکور باشد.

منابع

- ۱- نهج البلاغه.
- ۲- احمدوند، معروف علی. «نقد و بررسی نظریه اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات الهی». پژوهش های فلسفی - کلامی ۱۶، ش. ۲ (زمستان ۱۳۹۳): ۱۷۵-۱۹۲.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی. التوحید. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ق.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی. معانی الاخبار. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- ۵- ابن سینا، حسین بن عبدالله. الإشارات والتنبیها، به تحقیق مجتبی زارعی. قم: بوستان کتاب (مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی)، ۱۳۸۱ش.
- ۶- ابن سینا، حسین بن عبدالله. التعليقات، تحقیق عبدالرحمن بدوی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۷- ابن سینا، حسین بن عبدالله. الشفاء - الإلهیات، به تصحیح الأب قنوتی، سعید زائد. قم: انتشارات مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۸- ابن سینا، حسین بن عبدالله. المباحثات، به تحقیق محسن بیدارفر. قم: بیدار، ۱۳۷۱ش.
- ۹- ابن سینا، حسین بن عبدالله. المبدأ والمعاد، به اهتمام عبدالله نورانی. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- ۱۰- ابن سینا، حسین بن عبدالله. النجاة من الغرق فی بحر الضلالت، به تصحیح محمدتقی دانش پژوه، چ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ش.

- ۱۱- ابن سینا، حسین بن عبدالله. تسع رسائل في الحكمة والطبیعیات، چ دوم. قاهره: دارالعرب، ۱۳۲۶ق.
- ۱۲- ایرجی نیا، اعظم. «برهان صدیقین و تأثیر آن در نظریه ترادف صفات الهی از دیدگاه ابن سینا». آموزه‌های فلسفه اسلامی، ش. ۱۹ (پاییز- زمستان ۱۳۹۵ش): ۳-۲۳.
- ۱۳- توازیانی، زهره. «رویکرد کلامی- فلسفی به مسأله عینیت صفات و بررسی دیدگاه ملاصدرا و ابن سینا در خصوص آن». تأملات فلسفی ۱، ش. ۱. (بهار ۱۳۸۸ش): ۸۳-۱۰۱.
- ۱۴- ذبیحی، محمد. «اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب تعالی از دیدگاه ابن سینا». اندیشه دینی ۱۳ (زمستان ۱۳۸۳ش): ۲۹-۴۶.
- ۱۵- ذبیحی، محمد. فلسفه مشاء با تکیه بر اهم آراء ابن سینا. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶ش.
- ۱۶- ذبیحی، محمد؛ ایرجی نیا، اعظم. «صفات الهی از نگاه ابن سینا و توماس اکویناس». فلسفه دین ۶، ش. ۲. (تابستان ۱۳۸۸ش): ۲۹-۵۷.
- ۱۷- ذبیحی، محمد؛ ایرجی نیا، اعظم. «بررسی وجود شناختی صفات الهی از دیدگاه ابن سینا همراه با نقد ملاصدرا». پژوهش‌های هستی‌شناختی ۳، ش. ۶. (پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش): ۱۹-۳۸.
- ۱۸- زمانی، مهدی. «ملاحظات معناشناختی در تحلیل مسئله اتحاد و تغایر مفهومی صفات خداوند از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا». فلسفه دین ۱۲، ش. ۲. (تابستان ۱۳۹۴ش): ۲۵۹-۲۹۰.
- ۱۹- سبزواری، هادی بن مهدی. شرح المنظومة، با تعلیقات حسن حسن‌زاده‌آملی، به تحقیق مسعود طالبی، ۵ جلد. تهران: نشر ناب، ۱۳۶۹ش.
- ۲۰- شهیدی، سعیده سادات. «عینیت مفهومی اوصاف الهی در فلسفه ابن سینا». حکمت سینوی ۱۳، ش. ۴۲. (پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش): ۱۰۳-۱۲۴.
- ۲۱- شهیدی، سعیده سادات. «مفهوم شناسی اوصاف الهی در فلسفه ابن سینا». پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت) ۸، ش. ۲. (پاییز و زمستان، ۱۳۸۹ش): ۳۱-۵۰.
- ۲۲- صادقی، مرضیه. «طرح آشتی ترادف سینوی و عینیت صدرايي در باب صفات الهی». خردنامه صدرا، ش. ۵۶ (۱۳۸۸ش): ۴۵-۵۳.
- ۲۳- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. اسرار الآیات، به تصحیح محمد خواجوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ش.
- ۲۴- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ۹ جلد، چ دوم. قم: مکتبة المصطفوی، ۱۳۶۸ش.
- ۲۵- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. المبدأ والمعاد. [بی‌نا]، [بی‌جا] - [بی‌جا].
- ۲۶- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. تفسیر القرآن الکریم، به تصحیح محمد خواجوی، ۷ جلد، چ دوم. قم: بیدار، ۱۳۶۶ش.
- ۲۷- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. شرح اصول الکافی، به تصحیح محمد خواجوی، ۴ جلد. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ۲۸- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. مفاتیح الغیب، به تصحیح محمد خواجوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۳ش.
- ۲۹- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. منطق نوین، با ترجمه و شرح عبدالمحسن مشکوة الدینی. تهران: آگاه، ۱۳۶۲ش.
- ۳۰- طباطبائی، سید محمد حسین. الرسائل التوحیدیة. بیروت: مؤسسة النعمان، ۱۴۱۹ق.
- ۳۱- طباطبائی، سید محمد حسین. نهاية الحکمة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ۳۲- قاسم‌پور، محسن؛ ذهبی، سیدعباس؛ سعیدی‌مهر، محمد. «تبیین اندیشه ابن سینا در باب صفات الهی». فلسفه تحلیلی ۱۷، ش. ۳۹. (بهار و تابستان ۱۴۰۰ش): ۱۴۹-۱۶۷.
- ۳۳- قاسم‌پور، محسن؛ ذهبی، سیدعباس. «اتحاد مفهومی صفات الهی در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن سینا». پژوهش‌های ادیان ۱۰، ش. ۱۹. (بهار و تابستان ۱۴۰۱ش): ۳۰-۴۹.
- ۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، ۸ جلد، چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ۳۵- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، ۱۱۰ جلد. بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- ۳۶- مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ سوم. قم: انتشارات انصاریان، ۱۴۲۳ق.